

سر مقاله Editorial

توجه به فرهنگ دانشگاهی Academic culture in focus

از سال ۳۸۷ پیش از میلاد مسیح که افلاطون آکادمی خود را در باغ زیتونی در کنار رود سفیسوس در پشت دروازه غربی شهر آتن برپا نهاد و کار آموزش خویش را آغاز کرد و شاگردانش را نه تنها تا زمان فارغ تحصیلی بلکه پس از دوران تحصیل نیز تربیت می‌کرد و این کار آنقدر اساسی و ریشه‌دار بود که ۹۰۰ سال دوام آورد و در سال ۵۲۹ به فرمان ژوستین امپراتور بیزانس بسته شد ولی همچنان آکادمی‌های دیگر به تقلید آن در نقاط دیگری به کار ادامه دادند، گرد آمدن متفکرین و حکما برای تحقیق و آموزش عالی سامان یافته، شکل گرفت.

ارسطو شاگرد خلف و پیش‌تاز افلاطون، مدرسه و مرکز تحقیقاتی خود را در باغ دیگری به نام /لوکیون/ بنیاد گذارد و این نهاد علمی شاید بیش از «آکادمی» برآزنده مؤسسه‌های علمی جدید شد. سپس رومیان تحت تأثیر تمدن غنی یونان، هر نقطه‌ای از اروپا را که تسخیر نمودند، دانشگاه و آکادمی بر پا کردند.

با گسترش مسیحیت و قدرت بلامنازع کلیسا در قرون وسطا، مدارس و آکادمی‌ها در سیطره عالمان و فیلسوفان دینی باقی ماند و دانشگاه، مرکز تولید، تمرکز و توزیع علوم و اندیشه‌های فلسفی دوران شد، ولی همچنان به طبقه منتخب مانند روحانیون (در اکسفورد)، نجیب‌زادگان انگلیسی، استادان و نویسندگان آن عصر محدود بود.

پس از رنسانس آکادمی‌های پنج‌گانه فرانسه نقش عظیمی در رشد و توسعه علمی- فرهنگی این کشور و اروپا ایفا نمودند که همچنان ادامه دارد و به تبع آن دانشگاه‌های آلمان و کالج‌های سلطنتی بنیان نهاده شد و در سایر کشورها آکادمی‌هایی ایجاد شدند که مهم‌ترین آن آکادمی روسیه است. در ایران نیز پس از بنیاد دانشگاه تهران، فرهنگستان تأسیس شد.

آکادمی‌ها یا فرهنگستان‌ها مجموعه‌ای از افراد متفکر، دانشمند و عالم را شامل می‌شوند. فرهنگ آکادمیک، فرهنگی پیش‌تاز است که وظیفه‌اش حفظ و افزایش سرمایه‌های علمی- فرهنگی و منافع عالی معنوی، ملی و بشری است.

فرهنگ آکادمیک از تعامل دانشمندان و متفکرین رشته‌های گوناگون علمی و هنری شامل فیلسوفان، ادیبان، جامعه‌شناسان، عالمان سیاسی، انسان‌شناسان، ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان، پزشکان، معماران و مهندسان پدید می‌آید. بدین سان است که دانشگاه‌ها به دانشگاهیانی نیاز

دارند که بتوانند برای رشد و توسعه دانشگاه اندیشه کنند، کانون‌های تفکر را شکل دهند و آنها را بارور سازند و برای سایر افراد به ویژه دانشوران، دانش‌پژوهان و دانشجویان جوان الگو باشند. بدون چنین فرهنگی دانشگاه‌های امروز دبیرستان‌هایی بزرگ خواهند بود که جز بازخوانی و انتقال دانش‌های استقرار یافته نقشی نخواهند داشت.

دانشگاه‌های نوپنید با تلاش برای اشاعه علوم موجود، توسعه اندیشه‌افزار و آفرینش دانش نوین باید به عنوان معماران فرهنگی و علمی جامعه خود نقش هدایت کننده داشته باشند. با این نگاه «آیا دانشگاه‌های ما چنین رسالتی را ایفا می‌کنند؟» اگر دانشگاه‌های پرسابقه به رسالت خود آگاه باشند، بدون شک دانشگاه‌های تازه تأسیس به ویژه دانشگاه‌های علوم پزشکی از چنین ویژگی برخوردار نیستند. چرا که آنها در فرایندی نسبتاً شتاب زده و با وارد شدن به سیستم بهداری آغاز به کار نمودند، برای پاسخ‌گویی به نیازهای منطقه‌ای تأسیس شدند و اگر چه وزارت بهداری به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تغییر نام داد، فرهنگ غالب اجرایی و دیوان سالاری و فرهنگ سازمانی بهداری آنچنان سایه سنگینی بر بیکر نحیف دانشگاه‌ها و دانشکده‌های تازه تأسیس انداخت که عوارض آن هنوز پس از دو دهه باقی است.

از آنجا که رشد اعضای هیأت علمی جوان در کنار اعضای هیأت علمی پیشرفته فراهم می‌شود چنین تعاملی هنوز در دانشگاه‌های تازه تأسیس به وجود نیامده و فرهنگ سازمانی به مفهوم «آکادمیک» در آنها توسعه‌ای در خور نیافته است. حتی خواسته‌ها و تقاضاهای محدود اعضای هیأت علمی و دانشجویان در مورد کمبود زمینه‌ها و بسترهای علمی، پژوهشی و فرهنگی پاسخی شایسته دریافت نکرده است و تحقق آن به منابع مالی، فیزیکی و تلاش‌های مضاعف نیازمند است. به این ترتیب در شرایطی که دانشگاه‌های پیشرفته مراحل فرانوینی اندیشه‌های علمی را می‌گذرانند، دانشگاه‌های نوپا هنوز به دوران بلوغ نرسیده‌اند و با رشد پرشتاب دانش و اطلاعات، این شکاف به سرعت در حال زیاد شدن است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد تشکیل انجمن‌های علمی- فرهنگی که از درون دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد و ایجاد ارتباط‌های علمی- فرهنگی بین انجمن‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی می‌تواند افراد نخبه پراکنده و انگشت‌شمار را دور هم جمع کند. این گفتمان علمی، نقد نظریه‌های علمی و مطالعه‌های پژوهشی، سازمان‌دهی ایده‌ها و افکار نو، فرضیه‌سازی، طرح‌ریزی علمی، نظریه‌پردازی و تولید دانش اساسی جامع علمی را تشکیل می‌دهد و بدون شک تفکر آکادمیک رفتار آکادمیک را به دنبال خواهد داشت که خود برای سایرین الگو شده و به نسل‌ها منتقل می‌شود و بر سرمایه اجتماعی می‌افزاید.

دکتر سعید آصف زاده

استاد گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی و سردبیر مجله